

JCPOA Media Discourse in International Relations

A Case Study of a Reformist and Fundamentalist Newspaper

Fatemeh Nateghi*, Amirr Masuod Mazaheri**

Reza Fazel***

Abstract

The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) has been one of the most important political and legal treaties in the history of the Islamic Republic of Iran and one of the most influential treaties on the international relations of Iran. Overall, reflections on this agreement in Iran fit into two main competing political discourses of Reformism and Principlism, and it was represented in two different forms. Throughout this research, we have analyzed and discussed two media discourses of Reformism and Principlism, using Discourse theory which has its roots in the theories of Foucault, Laclau and Mouffe. Moreover, the used method in this research is Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis which includes three stages of Description, Interpretation and Explanation. Also, the resource of research data has been JCPOA concerned news headings of the newspapers belonging to the Principlist and the Reformist factions. For this purpose, the news headings that have been of cognitive value, regarding the subject of the research, have been chosen purposefully and have been analyzed. According to the results of the

* PH.D. student of sociology central Tehran branch Islamic Azad university of Tehran Iran,
Nateghi1499@yahoo.com

** Associate Professor of department of sociology central Tehran branch Azad Islamic university of
Tehran Iran (Corresponding Author), A.amirmazaheri@gmail.com

*** Associate Professor of social science department central Tehran branch Azad Islamic university of
Tehran, Rfazel49@gmail.com

Date received: 2020/06/21, Date of acceptance: 2021/09/27



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

analysis of findings, the Reformist and the Principlist discourses using techniques such as Antagonism and Integration have had different and opposing evaluations of JCPOA. The Principlist discourse considers JCPOA as a danger for “National Security” and holds the Reformist discourse responsible for JCPOA’s negative consequences. On the opposite side, the Reformist discourse considers JCPOA as a step forward towards “Peace” and “Opening up the economy” and attributes JCPOA’s positive achievements to itself.

Keywords: Principlism, Reformism, Discourse, Critical Analysis, Antagonism, JCPOA



گفتمان رسانه‌های «برجام» در پرتو روابط بین‌المللی ایران

مطالعه موردی روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا

فاطمه ناطقی*

امیرمسعود امیرمظاهری**، رضا فاضل***

چکیده

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، یکی از مهم‌ترین عهدنامه‌های سیاسی و حقوقی تاریخ جمهوری اسلامی ایران و یکی از تأثیرگذارترین آن‌ها بر روابط بین‌المللی ایران بوده است. بازتاب این توافق در داخل کشور ذیل دو گفتمان اصلی سیاسی رقیب، یعنی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی بود و به دو شکل متفاوت بازنمایی شد. در این پژوهش با استفاده از نظریه‌ی گفتمان، که ریشه در نظریات فوکو و لاکلاو و موفه دارد، به تحلیل و بحث پیرامون دو گفتمان رسانه‌ای اصلاح‌طلبی و اصولگرایی پرداخته‌ایم. روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است که شامل سه مرحله‌ی توصیف، تفسیر و تبیین است. داده‌های پژوهش نیز، تیرهای خبری روزنامه‌های دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب درباره برجام بوده است. به این منظور، تیرهایی که در رابطه با موضوع تحقیق، ارزش شناختی داشته‌اند، مورد تحلیل قرار گرفتند. بر مبنای نتایج تحلیل یافته‌ها؛ گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصولگرایی به واسطه‌ی تکنیک‌هایی از جمله غیریت‌سازی و یکپارچه‌سازی، ارزیابی‌های

* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز، Nateghi1499@yahoo.com

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز (نویسنده مسئول)،
A.amirmazaheri@gmail.com

*** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز، RfazeI49@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

متفاوت و متضادی از برجام داشته‌اند. گفتمان اصولگرایی برجام را خطری برای «امنیت ملی» می‌داند و نتایج منفی آن را متوجه گفتمان اصلاح‌طلبی می‌داند. در مقابل، گفتمان اصلاح‌طلبی برجام را گامی به سوی «صلح» و «گشایش اقتصادی» می‌داند و دستاوردهای مثبت آن را به خود نسبت می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اصولگرایی - اصلاح‌طلبی - گفتمان - تحلیل انتقادی - غیریت‌سازی - برجام - روابط بین‌المللی ایران

۱. مقدمه

توافق سیاسی برنامه جامع اقدام مشترک میان ایران و سران (۵+۱) که به «برجام» شهرت یافت، مجموعه‌ای از واکنش‌ها و اظهارنظرها را در داخل و همچنین در سطح بین‌المللی در پی داشت. این توافق بین‌المللی اگرچه در دولت موسوم به "اعتدال" صورت گرفت اما جناح‌بندی‌های اصلی سیاسی کشور در مورد آن بحث‌ها و جدل‌های فراوانی را مطرح کردند. در سطح داخلی، گروه‌ها و جریان‌های حامی این توافق، آن را به مثابه‌ی دستاوردی بزرگ در دیپلماسی کشور تعبیر کردند و آن را گامی اساسی در جهت ایجاد صلح پایدار در سطح منطقه‌ای و جهانی و توسعه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی دانستند که می‌تواند جایگاه ایران را در روابط بین‌المللی ارتقاء بخشد. در طیف مقابل، گروه‌ها و جریان‌های مخالف و منتقد این جریان، با نگاهی بدبینانه به تاریخ روابط ایران و ایالات متحده، آن را نوعی کوتاهی در برابر زیاده‌خواهی‌های دولت آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی تلقی کردند و آن را خطری برای استقلال همه‌جانبه‌ی ایران دانستند. همچنین طیف منتقدین و مخالفین برجام، به طور کلی اعتماد سیاسی به طرف‌های غربی این توافق را نادرست شمردند و استدلال کردند که این توافق حقوقی نمی‌تواند منازعات حقیقی سیاسی و ژئوپولیتیکی را کاهش دهد.

مجموعه‌ی این تحلیل‌ها و مواضع، در قبال «برجام»، در طی سال‌های شکل‌گیری آن و پس از آن، در قالب دو گفتمان کلی و بر اساس مفاهیم و ادبیات رسانه‌ای دو جناح سیاسی در سطح کشور تجلی یافت که همانا دوگانه‌ی «اصلاح‌طلبی» و «اصولگرایی» بود. هر کدام از این دو جناح سیاسی بر مبنای بینش سیاسی مختص به خود و همچنین بر اساس سلیقه، علایق و منافع خود، به تحلیل و قلم‌زنی در این باره پرداختند. مجموعه‌ی مفاهیم و ادبیات رسانه‌ای به‌کارگرفته‌شده در این باره که به شکلی مبسوط در روزنامه‌های وابسته به این دو جناح سیاسی تجلی یافت، دو نوع گفتمان سیاسی درباره برجام را تشکیل می‌دهد که هر کدام را می‌توان در

تعریفی، یک «گفتمان» (discourse) جداگانه تلقی کرد. گفتمان‌هایی که به نقد و واکاوی نیاز دارند، به این دلیل که به شکلی پیچیده و تحت تأثیر عوامل مختلف توسط گروه‌های انسانی تولید شده‌اند و انسان‌هایی که مناسبات اجتماعی را برحسب منافع مادیشان ایجاد می‌کنند، اصول، ایده‌ها و مقولات را نیز برحسب مناسبات اجتماعی برقرار می‌سازند (2004:107 marx). اگر بخواهیم به شکل صحیح‌تری در مورد این گفتمان‌ها بیاندیشیم، لازم است که آن‌ها را نه صرفاً زاینده اذهان نویسنده‌ها و یا روند مکانیکی تولید خبر و محتوای رسانه‌ای، بلکه تولیدشده در چارچوبی گفتمانی و در بستری تاریخی در نظر بگیریم. از چنین منظری، تفکرو ایده‌ها محصول و خروجی صرف فرد متفکر نیست و بیشتر تحت تأثیر شبکه‌ای فکری با ساختاری درونی است که فکر را می‌سازد، آن هم در ائتلاف یا مخالفت با افکار معاصر یا از طریق هم‌پیمانی با اسلاف تاریخی (Knoblauch, 2012:24). مفهوم «گفتمان» و تحلیل انتقادی آن که با نام میشل فوکو و اخیراً ارنست لاکلائو و شانتال موفه پیوند خورده است، بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته‌شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. بر همین سیاق، زبان، نه گزارشگر اوضاع جهان که برسازنده‌ی شناخت اهل زبان از جهان است (صافی، ۱۳۹۱:۲۱). دستگاه زبانی اغلب تحت تأثیر گفتمان‌های تولیدکننده‌ی معنا و محتوای سیاسی شکل می‌گیرد و گفتمان رسانه‌ای درمورد موضوع‌های مختلف سیاسی هم به نوعی بسط همین دستگاه زبانی است. زبانی که معمولاً آغشته به ایدئولوژی است و همین امر مشاهده‌ی حقیقی پدیده‌ها و مسائل، به ویژه مسائل سیاسی و اجتماعی را با چالش مواجه می‌کند. «ایدئولوژی»، بازنمایی رابطه‌ی تخیلی افراد است با شرایط واقعی (Althusser, 2016: 57). بنابراین این وظیفه‌ی نقد به طور کلی و نقد گفتمان‌ها به طور خاص است که لایه‌های ایدئولوژیک کلمات، جملات و ادبیات رسانه‌ای گفتمان‌ها را به واسطه‌ی تفکر غیرایدئولوژیک بررسی کند و امکان اندیشیدن واقعی‌تر در مورد مسائل را فراهم کند. تفکر غیرایدئولوژیک آن است که تن به فرو کاسته شدن نمی‌دهد و در عوض در پی آن است که تقریری از پدیده‌ها و اشیا به دست دهد که زبان مرسوم، جایی برای آن باقی نگذاشته است (Adorno, 2014:315). بر این اساس، مواجهه‌ی انتقادی با زبان و گفتمان در این صورتبندی، جایگاهی اساسی دارد. انتقاد از گفتمان نهادی به عنوان بخشی از انتقاد به نهادهای اجتماعی و صورتبندی اجتماعی می‌تواند به نیروی مادی تبدیل شود که قادر است در دگرگونی نهادها و صورتبندی‌های اجتماعی ایفای نقش کند (Fairclough, 2014:67). زمانی که در باب موضوعی، سخنی در چارچوب گفتمان خاصی بیان شد، این گفتمان امکان ساختن و شکل دادن مشخص به موضوع را تسهیل می‌نماید.

همچنین موضوع در درون گفتمان امکان بازنمایی متفاوت را نیز از دست می دهد. گفتمان متشکل از یک نوع گفتار نیست، بلکه چندین گفتار درهماهنگی با هم به تعبیر میشل فوکو «صورتبندی گفتمانی»، را می سازند. این گفتارها با یک دیگر همخوانی دارند، چون یک گفتار منعکس کننده روابط درونی با دیگر گفتارها نیز است: «آنان به موضوع مشابهی اشاره دارند، دارای سبک مشابهی اند و از یک استراتژی و شیوه انحراف سیاسی و نهادی مشابه حمایت می کنند» (Cousins, Hussain, 1984: 85-84).

بنابراین پرداختن انتقادی به گفتمان‌های سیاسی حول موضوع برجام، که به هر ترتیب یکی از مهم‌ترین توافقات تاریخ معاصر ایران است و تأثیری غیرقابل انکار بر روابط بین‌المللی ایران با سایر کشورهای جهان داشت، می‌تواند در روشن‌تر کردن اثرات واقعی این پدیده بر حیات سیاسی و اجتماعی ما و همچنین فراهم کردن امکان اندیشیدن درست‌تر و دقیق‌تر در مورد آن را برایمان فراهم کند. طوری که با قرار دادن گفتمان تولیدشده‌ی رسانه‌ای دو جناح سیاسی بزرگ کشور، در متن جاری و انضمامی زندگی و ارتباط آن با ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌توان به شکل ویژه‌ای به آن معنادهی کرد و از مجرای آن، بنیان‌های تئوریک و ابزارهای نظری لازم برای نقد واقعی سیاست و امر سیاسی را فراهم کرد. به این منظور در این پژوهش، ضمن بررسی گفتمان رسانه‌ای روزنامه‌های منسوب به دو گروه اصلاح‌طلب و اصولگرا در مورد برجام، به دنبال پاسخ به این پرسش‌های اساسی خواهیم بود که: این رسانه‌ها چگونه موضوع مورد بررسی، یعنی «برجام» را توصیف می‌کنند؟ گفتمان هر کدام از آن‌ها به کدام طبقه و جریان سیاسی در کشور و جهان نزدیک است؟ و گزاره‌های ایدئولوژیک و پیش‌فرض‌ها و «دانش پایه»ی نهفته در آن‌ها کدام است؟

۲. پیشینه پژوهشی

برجام، بازتاب وسیعی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت. از سویی دیگر، رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دادن به افکار عمومی ایفا کرده‌اند. به طوری که هر رسانه‌ای متناسب با خط فکری که دنبال می‌کند، نقش فعالی در انتقال جنبه‌های مثبت و منفی داشته. از این میان، روزنامه‌ها به دلیل وابستگی‌های حزبی و جناحی خود، از زوایای فکری مختلف در این زمینه عمل کرده‌اند.

در این زمینه، تاکنون پژوهش‌های بسیار کمی انجام شده است. تنها تعداد محدودی پژوهش قابل دسترسی بود که توسط مظفری (۱۳۹۶) در قالب رساله دکتری تحت عنوان «تحلیل

زبان‌شناختی بازتاب برجام در گفتمان‌های رقیب براساس رویکرد انتقادی فرکلاف» به‌عمل آمده است. او داده‌های موردنیاز پژوهش خودش را از متون تولیدشده در روزنامه کیهان متعلق به گفتمان اصولگرا و روزنامه شرق متعلق به گفتمان اصلاح‌طلب در بازه زمانی تیر ماه ۱۳۹۴ تا بهمن ماه ۱۳۹۴ حول محور برجام انتخاب کرده است. سپس با پیروی از رویکرد فرکلاف، تحلیل متن‌های جمع‌آوری‌شده از دو روزنامه مذکور در طی بازه زمانی موردنظر را در سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین انجام داده است. در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌هایش بیانگر آن بود که هر دو گفتمان رقیب در متون تولیدشده خود حول محور برجام کوشش کرده‌اند با بهره‌گیری از راهبردهای زبانی همچون روابط مهندسی واژه‌ها اعم از باهم‌آیی‌ها، تشبیه، کنایه، علائم سجاوندی، نقل قول و ... موضع ایدئولوژیک خود را نشان دهند و به تخریب وجهه گفتمان رقیب بپردازند. گرچه کاربرد بعضی راهبردها همچون نقل قول‌ها، علائم سجاوندی و کمیت زبانی در گفتمان اصولگرا بیشتر به چشم می‌خورد، گفتمان اصلاح‌طلب بیشتر سعی در بازنمایی مثبت برجام داشته و کمتر به ارزشیابی منفی گفتمان رقیب پرداخته است. در عین حال گفتمان اصولگرا، با بهره‌گیری بیشتر از نقل قول‌های مستقیم و ذکر شواهد سعی می‌کرد خواننده را به‌طور طبیعی در مسیری قرار دهد که به آن نتیجه‌ای برسد که دلخواه نویسنده است.

پژوهش دیگری در این زمینه تحت عنوان «موضع‌گیری رسانه‌های جریان اصلی در جامعه‌پذیری برجام (روزنامه‌های کیهان، همشهری و اعتماد)» توسط رفعتی (۱۳۹۷) در قالب رساله دکتری به‌عمل آمده است. او داده‌های مورد نیاز پژوهش را از مطالب روزنامه‌های کیهان، همشهری و اعتماد طی فروردین ۱۳۹۴ تا اسفند ماه ۱۳۹۵ به روش نمونه‌گیری هدفمند اطلاعات‌محور (قضاوتی) استخراج کرده است. سپس به روش تحلیل محتوا به بررسی آنها پرداخته است. در نهایت نتایج بدست‌آمده حاکی از آن بود که فرایند ناقص جامعه‌پذیری برجام در حوزه خبررسانی بوده است. به این ترتیب که روزنامه کیهان کاملاً در جهت منفی، تیرها و اخبار برجام را پوشش داده و روزنامه همشهری نیز رویکردی کاملاً ختشی را در پیش گرفته است؛ و در این میان، تنها روزنامه اعتماد عملکردی نسبتاً مثبت در جهت جامعه‌پذیری برجام داشته است. از سوی دیگر، نحوه پوشش نوع رویکرد به اخبار برجام در حوزه سه رسانه، کمتر تحلیلی بوده و بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی داشته تا این‌که رویکرد آموزشی و هدایت‌کنندگی را اتخاذ کرده باشند.

مک کامبز و شاو برای اولین بار در مطالعه برجسته سازی، این فرضیه را مطرح کردند که رسانه‌های جمعی برای هر مبارزه سیاسی اولویت‌هایی را تعیین می‌کنند و بر اهمیت و بر

نگرش‌ها راجع به موضوعات سیاسی اثر می‌گذارند و به یک معنا روزنامه محرک اول در تعیین اولویت‌های کشور است. (McCombs, 2009:7)

۳. ادبیات نظری

نظریه‌ی گفتمان یکی از نظریات معاصر در تحلیل پیوند میان قدرت، سلطه و فرهنگ به شمار می‌رود که در تبیین و فهم پدیده‌های اجتماعی-سیاسی بسیار کارآمد می‌نماید. این نظریه روشی را که نظام‌های معنایی و طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌آنها در جامعه را شکل می‌دهند بررسی می‌کند و به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که به واسطه آنها صورت‌بندی‌های گفتمانی، شکل‌گیری هویتها را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند (Howarth 1998:157-156)

در سنت تحلیل گفتمانی لاکلائو و موفه مفاهیمی اصلی و کلیدی وجود دارد که بدون درک آنها درک این نظریه نیز ممکن نخواهد بود. مفاهیمی از قبیل گفتمان، مفصل‌بندی، هژمونی، دال مرکزی، قابلیت دسترسی، اعتبار، عناصر، وقته‌ها یا لحظه‌ها، بیقراری، خصومت یا آنتاگونیسم، دال شناور و دال خالی، هویت، طرد و به‌حاشیه‌رانی و... به صورت کلی میتوان نظریه‌ی لاکلائو و موفه را بدین‌گونه صورت‌بندی نمود که در هر جامعه‌ای معمولاً تعدادی از نیروهای سیاسی-اجتماعی وجود دارند که در وضعیت غیریت‌سازی و آنتاگونیسم قرار دارند. تأکید بر خصلت آنتاگونیسمی و تخصیصی جامعه پیش‌فرض اصلی این‌نظریه است که اهمیت عنصر قدرت را نمایان می‌کند. هرکدام از این نیروهای متخاصم با محور قراردادن وجوه هم‌ارزی و گردآوری عناصر، دال‌ها و وقته‌ها، حول یک دال مرکزی به واسطه‌ی عامل قدرت مفصل‌بندی می‌شوند و یک گفتمان را تشکیل می‌دهند. در هر جامعه‌ای معمولاً یکی از گفتمان‌ها از طریق تثبیت دال‌های شناور و پاسخگویی به دال‌های خالی و همچنین قابلیت در دسترس بودن و اعتبار، دیگر گفتمان‌های موجود را طرد کرده و در حاشیه قرار می‌دهد و خصلتی هژمونیک می‌یابد. فرض گفتمان‌های مختلف، مستلزم هویت‌یابی آنها از طریق فرایند غیریت‌سازی است. گفتمان‌ها امری مقطعی‌اند و همواره در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند. (بهروزی‌لک: به نقل از اخوان-کازمی، ۱۳۹۱: ۷)

این استیلای هژمونیک دائمی نیست و گفتمان‌ها همواره در حال نزاع بیرونی با سایر گفتمان‌ها و بازتولید درونی هستند. لاکلائو و موفه، مفهوم "بی‌قراری" (Dislocation) را برای بحران‌ها و حوادثی به کار بردند که هژمونی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشد. (کسرای، ۱۳۸۸: ۳۴۶)

تفوق گفتمان و بازیابی استیلای آن مستلزم رفع و غلبه بر این بی‌قراری‌ها است. از منظر نظریه‌ی گفتمان، هویت مفهومی برساختی-گفتمانی است و هویتها برساخته‌ی مفصل‌بندیهای هژمونیک هستند. برساختی‌بودن هویت در این نظریه که ریشه در رویکرد برساخت‌گرایانه‌ی آن در تحلیل پدیده‌های اجتماعی دارد، این امکان را برای آن فراهم نموده است که عنصر قدرت را در شکل‌دهی به هویت دخیل بداند. این گفتمان است که از طریق سازوکار مفصل‌بندی خویش به پدیده‌ها معنا و هویت می‌بخشد. هویت هر چیز صرفاً در شبکه‌ی هویت‌های دیگر که باهم مفصل‌بندی شده‌اند پدید می‌آید. بنابراین، هویت به طور کلی و هویت سیاسی به طور خاص، در ارتباط با یک کل واحد است که معنا پیدا می‌کند. مکانیسم این هویت‌بخشی، همانا "مفصل‌بندی" (Articulation) است. مفصل‌بندی، کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها و غیره، چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه‌ی آنها دگرگون‌شده و هویتی جدید بیابند. از این‌رو هویتیک گفتمان در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آورد شکل می‌گیرد (تاجیک، به نقل از کسرائی، ۱۳۸۸: ۳۴۱).

مفصل‌بندی حول یک هسته‌ی مرکزی شکل می‌گیرد که تمامی پدیده‌ها در ارتباط با آن معنا می‌یابند. این هسته‌ی مرکزی «دال مرکزی» نام دارد. دال مرکزی، نقطه‌ی ثقل و هویت‌ساز اصلی گفتمان است. در این میان، دال‌های دیگری نیز حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند که «وقته» یا «لحظه» (Moment) نام می‌گیرند. به هر اندازه که مفصل‌بندی این وقته‌ها و دال مرکزی به میانجی قدرتی که این امر را تسهیل می‌کند قویتر باشد، گفتمان نیز گفتمان مسلط خواهد بود. این امر خصیلتی دوگانه دارد. یعنی از یک طرف ایجابی و از طرفی نیز سلبی است. ایجابی بودن آن به‌واسطه‌ی مفهوم در دسترس بودن و قابلیت دستیابی و مهمتر از آن برجسته‌سازی در گفتمان است. به این معنا که گفتمان سعی در برجسته‌سازی دال‌ها و وقته‌های خویش به‌عنوان نقاط قوتش دارد. خصیلت سلبی آن به مفاهیم طرد و به حاشیه‌رانی نظام معنایی و دال‌های گفتمان رقیب برمیگردد، جایی که گفتمان در صدد غیریت‌سازی و توجیه موجودیت خویش به‌عنوان گفتمان مسلط است. برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و تداوم هژمونی یک گفتمان است (همان: ۳۴۸).

دال خالی بیانگر یک خلأ در فضای اجتماعی است. به‌عبارت‌دیگر، نشان از امری غایب دارد. وظیفه‌ی دال‌های خالی، بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. از آنجا که این دال‌ها همواره نواقص را گوشزد می‌کنند، تولید آن‌ها سبب پویایی جامعه و سیاست خواهد شد (لاکلائو، به نقل از کسرائی، ۱۳۸۸: ۳۵۵) وجود دال‌های خالی زمینه را برای ظهور

گفتمان‌های جدید فراهم می‌کند. به عبارتی در شرایطی که بی‌قراری بر یک گفتمان مسلط حاکم شود همین دال‌های خالی می‌توانند به‌عنوان دال مرکزی یک گفتمان نوظهور ایفای نقش کنند. مسلط ماندن یک گفتمان در گرو پاسخگویی به این دال‌های خالی است. وجود دال‌های خالی که نشانی از بی‌قراریها، تقاضاها و بحرانها در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی است، زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان‌های جدید فراهم می‌سازد. اگر گفتمان‌های مسلط بتوانند این خلاءها را پرکنند، ادامه‌ی حیات خود را تضمین کرده‌اند و در غیر این صورت جای خود را به گفتمان‌های رقیب خواهند داد (کسرایبی، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

به طور کلی، نظریه‌ی گفتمان، مفاهیمی اساسی و ارزشمند را برای تأمل و بحث درباره مجموعه‌ای از نظم‌های گفتاری و اجتماعی به شیوه‌ای انتقادی در اختیار می‌گذارد که به واسطه‌ی آن می‌توان مکانیسم‌های مختلف قدرت و مقاومت، سلطه، مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌بخشی و یا پنهان‌کاری را در گفتمان‌ها بیرون کشید و به بحث درباره آن‌ها پرداخت. در میان امکان‌های تحلیلی نظریه‌ی گفتمان، امروزه تحلیل گفتمان انتقادی که با آراء نورمن فرکلاف شناخته شده است، از محبوبیت بالایی برخوردار است. سنتی انتقادی که به نوعی بسط مفاهیم و بینش نظریه‌ی انتقادی، در تحلیل متن است. (philips Jørgensen, 2002:1)

گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) معرفی می‌کنند. زیرا، شیوه‌ی سخن گفتن ما درباره هر وجهی از جهان هستی (بویژه روابط اجتماعی) خنثی نبوده؛ بلکه بازتابی از آن چیزی است که در ذهن مان به آن باور داریم. لذا، درک این که نقطه‌ی نظر واقعی ارسال‌کننده پیام درباره موضوع مورد گفتمان چه هست، نیازمند آگاهی از ساختار گفتمان و تحلیل آن به منظور فهم نقطه‌ی نظر واقعی گوینده پیام می‌باشد. در حوزه تحلیل گفتمان رویکردهای گوناگونی وجود دارد که می‌توان با توجه به ویژگی‌های هر رویکرد از آن در تحلیل گفتمان انتقادی (نقادانه) استفاده کرد. بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی با مسائل اجتماعی مرتبط است. از این رو، تحلیل گفتمان انتقادی با زبان یا کاربرد زبان به خودی خود کاری ندارد بلکه با ویژگی‌های زبانی فرایندها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی درگیر می‌شود (Richardson, 2007:27). در این پژوهش، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. زیرا، در حوزه موضوع مورد بررسی این پژوهش استفاده از این نوع تحلیل گفتمان مناسب می‌باشد و می‌توان به تغییر گفتمانی جناح‌های مختلف درباره برجام پی برد.

۴. روش‌شناسی

روش مورد استفاده برای تحلیل متن در این پژوهش، تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است. مفروضه‌ی اساسی این رویکرد بر اساس نهی واقعیت‌عریان پوزیتیویستی استوار است. به این معنی که در عرصه‌ی سیاست و اجتماع، واقعیتی‌عریان و فارغ از ارزش وجود ندارد و گفتمان، تنها راه معنادار کردن واقعیت اجتماعی است و این معنادار ساختن، همواره به سلطه و مقاومت وابسته است.

گفتمان، عبارت است از تولید دانش از طریق زبان. اما خود گفتمان از طریق عمل زاده می‌شود: «عمل گفتمانی»- یا عمل تولید معنا، از آنجایی که تمام رفتارهای اجتماعی حامل معنااند، پس تمام این رفتارها از یک بُعد گفتمانی برخورداراند.

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نگاه او، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرکلاف معتقد است کاربرد زبان معمولاً در عین حال که سازنده هویت اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و باورها است؛ توسط آن‌ها نیز ساخته می‌شود. او مانند کریس و وی لیون در تحلیل‌های خود بر مبنای چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی عمل می‌کند (آقا گل زاده؛ غیائیان، ۱۳۸۶: ۳۹).

از منظر تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان شکلی از کردار اجتماعی است که هم جهان اجتماعی را می‌سازد و هم به واسطه کردارهای اجتماعی دیگر ساخته می‌شود. گفتمان به منزله یک کردار اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیک با ابعاد اجتماعی دیگر دارد. گفتمان نه تنها در تشکیل و باز تشکیل ساختارهای اجتماعی سهیم است، بلکه منعکس‌کننده آن‌ها نیز هست. وقتی فرکلاف تحلیل می‌کند که چگونه کردارهای گفتمانی در رسانه‌ها در ایجاد اشکال جدید سیاست نقش دارند، این را نیز در نظر دارد که کردارهای گفتمانی تحت تأثیر نیروهای اجتماعی‌اند که صرفاً شخصیتی گفتمانی ندارند (مانند ساختار نظام سیاسی و ساختار نهادی رسانه‌ها) (سلطانی، ۱۳۹۴: ۵۲).

رویکرد انتقادی به نسبت گفتمان‌ها مدعی است که گزاره‌های تلویحی طبیعی شده که مبنای ایدئولوژیک دارند، در گفتمان، فراوان یافت می‌شوند و در تعیین جایگاه مردم به عنوان فاعلان اجتماعی، نقش ایفا می‌کنند. این گزاره‌های طبیعی شده نه تنها شامل جنبه‌هایی از معنای اندیشمندانه است، بلکه دربرگیرنده پیش‌فرض‌هایی هم درباره روابط اجتماعی‌ای هستند که

شالوده عمل تعاملی‌اند. به ادعای فرکلاف، چنین مفروضاتی عموماً طبیعی شده‌اند و مردم از وجود آن‌ها بی‌خبرند.

صورت‌بندی ایدئولوژیک - گفتمانی بر صورت‌بندی‌های دیگر، به طبیعی شدن معانی و اعمال ایدئولوژیک آن صورت‌بندی می‌انجامد. مقاومت در برابر این پدیده معمولاً از سوی فاعلانی انجام می‌گیرد که جایگاه آن‌ها در دیگر نهادها و نظم‌های گفتمانی منشأ مقاومت آن‌ها است (Fairclough, 2000: 21-2).

در این میان انتقاد از گفتمان‌های مسلط نهادی به عنوان بخشی از انتقاد به نهادهای اجتماعی و صورت‌بندی اجتماعی، می‌تواند به نیرویی مادی تبدیل شود که قابلیت آن را دارد که در دگرگونی نهادها و صورت‌بندی‌های اجتماعی ایفای نقش کند (Fairclough, 2000: 67).

بر این اساس، متن‌ها واسطه‌ی میان گفتمان و امر اجتماعی هستند و افشا کردن پیوند میان ساختار اجتماعی و کردار اجتماعی، وظیفه‌ی تحلیل انتقادی گفتمان است. پرداختن انتقادی به متون و گفتمان‌ها به ویژه از آن رو ضروری است که در تمام آن‌ها نوعی «دانش پایه» وجود دارد که اغلب ایدئولوژیک است و فضای اجتماعی به واسطه‌ی عمل گفتمانی و در رابطه‌ای دیالکتیکی با آن وجود دارد. تحلیل انتقادی گفتمان، به طور خلاصه و مطابق آنچه که نورمن فرکلاف تدوین کرده است، به طور مشخص ۳ مرحله است:

۱. توصیف: توصیف متن دربرگیرنده‌ی توجه به جملات، واژگان و متن به طور کلی است. واژه، جمله و ژانر متن، سه عنصر اصلی در تحلیل هستند. به طور کلی سه ارزش بنیادی در هر متن وجود دارد: ارزش تجربی: پاسخ به این سؤال است که متن، چگونه به بازنمایی جهان می‌پردازد؟ ارزش بیانی: به این موضوع می‌پردازد که فاعل متن چه کسی است؟ و ارزش رابطه‌ی نیز به این موضوع مربوط است که موافقین و مخالفین متن چه کسانی هستند، چه رابطه‌ای میان آن‌ها وجود دارد؟ و نقش فاعل متن در این میان چیست؟ چرا که هر متنی به ویژه در عرصه سیاست معطوف به مخالفین فرضی یا واقعی نوشته می‌شود. در این مرحله همچنین باید تعیین کرد که کدام یک از ارزش‌های سه‌گانه‌ی تجربی، بیانی و رابطه‌ای بر متن غالب است؟

۲. تفسیر: تفسیر متن، پاسخ به این سؤال است که چه گفتمان‌هایی در درون متن حضور دارند؟ به این منظور می‌توان به دو شکل عمل کرد. یا از طریق تحلیل بافت موقعیتی و زمینه‌ی متن و یا از طریق بینامتنی متن. یعنی مشخص کردن گفتمان مسلط بر متن و موضع آن.

گفتمان رسانه‌ای «برجام» در پرتو روابط بین‌المللی ایران (فاطمه ناطقی و دیگران) ۱۳۳

۳. تبیین یا کردار اجتماعی: در این مرحله هم باید میان گفتمان مسلط بر متن، رابطه‌ای با گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی، ارتباط برقرار کرد و مشخص کرد که گفتمان مسلط، متعلق به کدام ساختار نهادمند است و کردارهای نهادی آن کدامند؟

۵. شیوه گردآوری داده‌ها

به منظور ثبت اطلاعات جمع‌آوری شده از روزنامه‌های موردنظر، از فرم ثبت اطلاعات شامل ۱۲ ستون استفاده به عمل آمد که نمونه‌ای از این فرم در زیر ارائه شده است:

تحلیل محتوای اخبار روزنامه مربوط به..... مذاکرات هسته‌ای											
ردیف	عنوان	نویسنده	مقوله‌بندی	محتوا	شرایط زمانی	ضرورت برجام	مضرات برجام	فواید برجام	آینده برجام	موانع تداوم	موانع برای قطع

نام‌گذاری هر ستون بر پایه نیازهای اطلاعاتی که بتوان بر اساس آن به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد، تنظیم شده است. اخبار جمع‌آوری شده از آذرماه سال ۱۳۹۲ تا پایان خردادماه سال ۱۳۹۶ را شامل می‌شود. در انتخاب داده‌ها، به این مسئله توجه شد، متن‌هایی انتخاب شوند که ارزش شناختی داشته باشند. یعنی حاوی محتوایی در رابطه با موضوع مورد بررسی باشند. به منظور آماده کردن اطلاعات برای تحلیل و تفسیر، اخبار انتخاب شده در سه گروه ابتدای برجام، انتهای برجام و میانه مذاکرات دسته‌بندی شد. سپس پیام‌های درج شده در اخبار منتخب بدون در نظر گرفتن مکان و زمان با رعایت عینیت از متن اخبار استخراج شد. به این معنا که ابتدا محتوای خبرها به دفعات مورد مطالعه عمیق قرار گرفت. سپس از محتوای خبر پیام‌هایی که مربوط به مقوله‌های فرم مذکور بودند استخراج و در فرم‌های مربوطه ثبت شد. بعد از ثبت اطلاعات موردنظر محتوای آن‌ها مورد مطالعه مجدد قرار گرفته و جمع‌بندی نهایی صورت گرفت. به طوریکه برای روزنامه‌های هر جناح اخبار و پیام‌های مربوط به آن‌ها استخراج و جمع‌بندی نهایی بر پایه جناح سیاسی به تفکیک ارائه شد. داده‌های مربوط به گفتمان اصولگرایی از روزنامه‌های کیهان، وطن امروز و جوان استخراج شد که از لحاظ خط مشی، به همین جناح تعلق دارد. داده‌های مربوط به گفتمان اصلاح‌طلبی نیز از میان متون تولید شده در این باره در روزنامه‌های شرق، آفتاب یزد و اعتماد انتخاب شدند که در فضای سیاسی و اجتماعی کشور، به عنوان روزنامه‌های متعلق به جناح موسوم به اصلاح‌طلبی شناخته شده‌اند.

۶. تحلیل یافته‌ها

الف: توصیف: نمونه‌ای از متون خبری درج‌شده در روزنامه‌های اصولگرا در جدول زیر آورده می‌شود:

ردیف	عنوان	منبع خبر	تاریخ
۱	ایران زیر بار توافق ذلت‌بار نخواهد رفت	سردار محمدرضا نقدی: رئیس سازمان بسیج مستضعفین	۱۳۹۳/۱۲/۱۲
۲	فقط اجازه غنی‌سازی برای ۲ هفته برق هسته‌ای داریم!	محمدحسین امینی	۱۳۹۴/۰۲/۰۵
۳	برجام از نظر اقتصادی به ضرر ماست	محسن رضایی: دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۴/۰۶/۱۵
۴	برجام امنیت ملی کشور را به خطر می‌اندازد نمایندگان هوشیار باشند	وطن امروز	۱۳۹۴/۰۷/۱۸
۵	اجرای برجام تأثیری در خروج دولت از تنگنای مالی ندارد	محمود جام‌ساز	۱۳۹۴/۱۰/۲۲
۶	بدهی‌های دولت پس از برجام ۳۳ درصد بیشتر شد!	کیهان	۱۳۹۵/۱۰/۲۱
۷	دستاوردهای برجام / دولت می‌گوید، مردم نمی‌بینند	کیهان	۱۳۹۵/۱۰/۲۶
۸	برجام نافرجام و پایان صبر مردم	کیهان	۱۳۹۵/۱۱/۲۳
۹	آیت‌الله جنتی: از کسانی که بدون توجه به تجربه برجام، باز هم از ضرورت مذاکره با آمریکا می‌گویند دنبال وطن‌فروشی هستند	وطن امروز	۱۳۹۵/۰۷/۱۰

در بررسی و توصیف تیترهای خبری مربوط به برجام در رسانه‌های اصولگرا ابتدا مضامین شناخته‌شده‌ی زیر استخراج شد.

- ایجاد شکاف بین جناح‌های سیاسی داخل نظام
- قطع نسبی فعالیت‌های هسته‌ای
- محدودسازی رشد موشکی و تسلیحاتی

گفتمان رسانه‌های «برجام» در پرتو روابط بین‌المللی ایران (فاطمه ناطقی و دیگران) ۱۳۵

- تحت تأثیر قرار دادن زیرساخت‌های ایران
 - به خطر افتادن امنیت ملی
 - ایجاد زمینه برای نفوذ دولت‌های خارجی در ایران
 - اهرم فشار بر ایران و پیشگیری از هژمونی ایران در منطقه
 - ایجاد شرایط نفوذی برای آمریکا
 - محدودیت در فعالیت‌های هسته‌ای
 - عدم گشایش اقتصادی
 - دامن زدن به زیاده‌خواهی آمریکا
 - تهدید جبهه مقاومت
 - ایجاد دل‌سردی در مردم نسبت به دولت
- در طیف مقابل، گفتمان اصلاح‌طلبی که خود را به برجام و دولت اعتدال نزدیکتر می‌بیند، از مجرای رسانه‌های همسو، با تیترهای زیر درباره برجام صحبت می‌کند.

ردیف	عنوان	منبع خبر	تاریخ
۱	اخلال در برجام به زیان همه است	شرق	۱۳۹۴/۷/۲۶
۲	از برجام تا فرجام توسعه اقتصاد ایران	شرق	۱۳۹۴/۸/۰۴
۳	برجام مانع احمدی‌نژاد است	عباس عبدی: فعال سیاسی اصلاح‌طلب	۱۳۹۴/۸/۱۱
۴	برجام نگرشی اصلاح‌طلبانه	محمدعلی سبحانی: مشاور ارشد وزیر خارجه ایران	۱۳۹۴/۸/۱۱
۵	لبخند بورس به برجام	شرق	۱۳۹۴/۷/۲۲
۶	برجام و تقویت میانه‌روی	شرق	۱۳۹۴/۷/۱۳
۷	نقش برجام در جایگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی	آفتاب یزد	۱۳۹۵/۱۲/۰۴
۸	بدون برجام سقوط اقتصاد ایران تا مرز فروپاشی ادامه پیدا می‌کند	سعید لیلانز	۱۳۹۵/۱۰/۲۸
۹	ایران با برجام از آوار سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ معاصر رها شد	حسین موسویان	۱۳۹۵/۱۰/۲۸

واژگان و جملات رسانه‌ها و شخصیت‌های گفتمان اصلاح‌طلبی، به طور فشرده دربرگیرنده‌ی مضامین زیر است:

- ایجاد شکاف در اجماع جهانی علیه ایران
- طرفداری از صلح جهانی
- بازگشت به جامعه جهانی
- تأثیرگذاری بر افکار عمومی
- رفع تحریم‌ها
- تأثیر روابط اقتصادی با کشورها
- گشایش اقتصادی
- توسعه سرمایه‌گذاری خارجی
- شکاف در جبهه دشمن
- برتری جناح‌های میانه‌رو در ایران

به این ترتیب، هر کدام از اشخاص و چهره‌های دو گفتمان سیاسی کلان حاکم بر کشور، از مجرای رسانه‌هایشان با مضامینی که به آن‌ها اشاره شد، در مورد برجام موضع‌گیری کرده‌اند و با واژگان و جملات خاص خود در مورد آن صحبت کرده‌اند. از لحاظ غلبه‌ی نوع ارزش‌های سه‌گانه‌ای متنی، در گفتمان اصولگرایی غلبه‌ی ارزش بیانی مشهود است. به این معنی که مضامین مطرح شده از جانب گفتمان اصولگرایی، به شیوه‌ای پیشینی در مورد توافق برجام صحبت کرده‌اند و با تأکید بر جایگاه فاعلی خود، به صرف این که گفتمان سیاسی رقیب، این توافق را پیش برده است، آن را نامطلوب خوانده‌اند. این موضوع به ویژه زمانی قابل توجه‌تر است که زمینه‌ی تاریخی این توافق را از نظر بگذرانیم. مذاکراتی که برآیند نهایی آن، برجام بود و در دولت موسوم به اعتدال جنبه‌ی پیمان بین‌المللی به خود گرفت، روندی بود که سال‌ها پیش شروع شده بود و نقطه‌ی شروع آن در دولتی اصولگرا آغاز شده بود. سال‌ها قبل از برجام، اجماع نسبی در میان گروه‌های سیاسی کشور برای رسیدن به توافق با غرب بر سر مسئله‌ی انرژی هسته‌ای و سایر مسائل منطقه و جهان، وجود داشت و هر دو گفتمان نیز به روش‌های مختلف و با تعابیر مختص به خود، ضرورت آن را بیان کرده بودند. اما گفتمان اصولگرایی چه

در اوایل و زمانی که زمزمه‌های به نتیجه رسیدن مذاکرات به گوش می‌رسید و چه پس از آن، برجام را ناموفق ارزیابی کرده است.

در مقابل، گفتمان اصلاح‌طلبی سعی داشته با تکیه بر ارزش تجربی مذاکرات خود درباره برجام، مفاهیمی از قبیل، «گشایش اقتصادی» و «سرمایه‌گذاری خارجی» را که از لحاظ بار معنایی برای افکار عمومی مثبت و امیدوارکننده هست، به برجام نسبت دهد و برجام را محصول عملکرد خود از لحاظ زمینه‌ی تاریخی، گفتمان اصلاح‌طلبی پس از یک دوره اوج‌گیری در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نشان دهد. گفتمان اصلاح‌طلبی سعی بر آن داشت تا بر پایه‌ی برخی از نتایج مشخص برجام، همچون رفع بخشی از تحریم‌ها و نتایج اقتصادی آن، نوعی از بازنمایی را ارائه دهد که بر اساس آن، برجام حکم‌رهایی از مشکلات و مسائل اساسی کشور را داشته و منجی این رهایی نیز، بینش اصلاح‌طلبی تلقی می‌شود.

از طرفی دیگر، هر دو گفتمان با رصد مواضع یکدیگر سعی کرده‌اند تیر اخبار و محتوای مطالب خود را معطوف به مواضع رقیب بیان کنند و با ارجاع به متون رقیب، خود را در تقابل با موجودیت رقبای سیاسی به واسطه‌ی تکنیک «غیریت‌سازی» تعریف کنند و به همین واسطه تمایزات سیاسی خود را به مثابه‌ی موجودیتی یکپارچه و متفاوت از رقیب، به نمایش بگذارند. این همانا غلبه‌ی ارزش رابطه‌ی متون در هر دو گفتمان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی است.

ب: تفسیر: در درون هر کدام از متون گفتمان‌های مورد بررسی در مورد برجام، می‌توان گفتمان‌هایی ریشه‌دارتر را مشاهده کرد که به نوعی مجموعه‌ی این خرده‌گفتمان‌ها، گفتمان سیاسی اصلی را تشکیل داده‌اند. درون متن‌های برگزیده‌ی گفتمان اصولگرایی، رد پای یک گفتمان ضداستعماری کلاسیک قابل مشاهده است که در اغلب کشورهای منطقه، با مفاهیمی دینی تجلی یافته است. مضمون «محور مقاومت» و تلقی برجام به مثابه‌ی عامل تهدید حیات این جبهه‌ی سیاسی، یکی از گفتمان‌هایی اصلی است که در درون تیرهای بررسی شده در روزنامه‌های اصولگرا قابل مشاهده است. محور مقاومت یا همان «هلال شیعی» در گفتمان اصولگرایی یکی از مفاهیم اساسی است که جهان سیاسی را به دوگانه‌ی استکبار - مقاومت تقسیم می‌کند و جایگاه سیاسی ایران و کشورهای متحد آن را در قالب جبهه‌ی مقاومت جای می‌دهد. اگر بخواهیم به شکلی عمیق‌تر «بافت موقعیتی» متن را در نظر بگیریم، می‌توان گفت، نظم سیاسی و ژئوپولیتیکی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در منطقه خاور میانه و جریانات سیاسی پس از این دو واقعه، تاثیراتی است که جریان اصولگرا از آن تاثیر گرفته‌و به نوعی میراث‌دار آن‌ها است. تلقی هرگونه رابطه و توافق با

جبهه‌ی غرب به عنوان دشمن اصلی به رهبری آمریکا، به مثابه‌ی خطری برای تهدید امنیت ملی، در واقع حامل گفتمان «غرب‌ستیزی» است که اصولگرایی در ایران پس از انقلاب همواره بر آن تأکید داشته است. «امنیت ملی» و تحلیل تمام پدیده‌های اجتماعی و سیاسی روز، حول محور این مفهوم، همان دال مرکزی این گفتمان است که باعث می‌شود همه‌چیز در نسبت با آن تعریف و سنجیده شود. امنیت ملی در واقع در خاور میانه و در ایران که همواره سرنوشت سیاسی آن دستخوش دخالت‌های قدرتهای خارجی بوده است، مفهومی برخاسته از گفتمانی پسااستعماری است که با توجه به زمینه‌ی سیاسی و پیوند مذهب و سیاست در ایران به ویژه در تلقی گفتمان اصولگرایی، اغلب با مفاهیم و دوگانه‌هایی بیان می‌شود که تداعی‌گر خیر و شرهای سیاسی هست و در این میان، قدرت دخالتگر خارجی، همان طرف شر است.

در متون گفتمان اصلاح‌طلبی، سنتی سیاسی قابل مشاهده است که از لحاظ تاریخی، در سال‌های آخر دهه ۶۰ و با اصرار بر تغییر برخی از اصول قانون اساسی، شروع شد و طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با سکان‌داری ریاست‌جمهوری، با مفاهیم کلاسیک لیبرالیسم سیاسی پا به عرصه گذاشت و توسعه یافت و عملاً فضای سیاسی یگانه‌ی جامعه‌ی پساانقلابی و جنگ‌زده‌ی ایران را دو قطبی کرد. گفتمان اصلاح‌طلبی در روابط بین‌المللی با مفهوم «گفت و گوی تمدن‌ها» پا به عرصه گذاشت. مفهومی که زاده‌ی گفتمان تعامل و درهای باز در اقتصاد و سیاست بود و از لحاظ اقتصادی خواهان ادغام در بازار جهانی و به لحاظ سیاسی و روابط بین‌المللی، خواهان پیوستن و حضور فعال در نهادهای بین‌المللی بود. این گفتمان، پیگیری اهداف و رویکردهای جناحی خود را در قامت «سازش با جهان» در رسانه‌ها تبلیغ کرده است. اصلاح‌طلبی، خود را آن گزینه‌ای سیاسی در روابط بین‌المللی ایران قلمداد می‌کند که رسیدن به صلح پایدار در سطح جهانی و منطقه‌ای، تنها به وسیله‌ی برنامه‌ها و دیپلماسی آن‌ها امکان‌پذیر است. گفتمان اصلاح‌طلبی، با متمایز کردن خود از گفتمان رقیب، به واسطه‌ی ترویج دیپلماسی و آنچه که در سازمان ملل، تحت عنوان «گفت و گوی تمدن‌ها» در برابر نظریه‌ی «برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون» مطرح شد، در صدد عقلانی‌سازی روابط دیپلماتیک ایران با جهان بوده است. موضع‌گیری این گفتمان در قبال برجام، رفع تحریم‌ها را اولویت اساسی و ضروری کشور قلمداد کرده است. تمایزی گفتمانی که برقرار شده است، از طریق فاصله گرفتن این گفتمان از ایده‌هایی است که عموماً به نام اصولگرایی پیوند خورده است. اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی‌های گسترده نیز که از عصر سازندگی شروع شد، به نوعی روی دیگر سکه‌ی توافق برجام و پیش‌زمینه‌ی اقتصادی آن در سطح داخلی بوده

است تا اقتصاد ایران، آمادگی ورود به بازار جهانی سرمایه‌داری را داشته باشد. بنابراین به واسطه‌ی مرتبط ساختن کلمات و واژگان به‌کاربرده شده در گفتمان اصلاح‌طلبی درباره برجام و ارجاع به بافت موقعیتی آن، می‌توانیم در مرحله اول درک روشنتری از خودِ موضع و گفتمان اصلاح‌طلبی درباره برجام داشته باشیم و در مرحله بعد، خود گفتمان اصلاحات را در تقابل با اصولگرایی در کلیتی فراخ‌تر مشاهده کرد.

پ: تبیین: همانطور که گفته شد، گفتمانی که حول دال مرکزی «امنیت ملی» می‌چرخد، متعلق به اصولگرایان است که در مورد برجام نیز، بر اساس همین خط مشی موضع‌گیری کرده است. ریشه‌های تاریخی هژمون شدن این گفتمان و توده‌ای شدن آن را تا اوایل انقلاب اسلامی می‌توان پی گرفت. یعنی از زمانی که شهید رجایی در نخستین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک رئیس جمهوری که مطابق زبان و واژگان آن زمان، «مکتبی» نامیده می‌شد، به پیروزی رسید. واژه‌ی مکتبی، به نوعی بیانگر تجلی صفات و ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی در یک شخص بود. در برابر شهید رجایی، چهره‌هایی همچون بنی‌صدر با اندیشه‌های لیبرال وجود داشتند که نمی‌توانست در جامعه‌ی پر امید و آرزوی پس از انقلاب، مقبولیت چندانی داشته باشد. علاوه بر این، گفتمان برخاسته از انقلاب، با به مرکزیت کشاندن مفهوم «مستضعفین»، موفق شده بود فرودستان شهری و روستایی را به میدان سیاست بکشاند و در میان آن‌ها محبوبیت بیابد. گفتمان اصولگرایی جامعه‌ی امروز ایران نیز، با تاسی از این میراث تاریخی، سعی دارد همچنان مشروعیت خود را به واسطه‌ی همان گفتمان «مستضعفین»، حفظ و تقویت کند. اما به هر ترتیب، آنچه که در تحلیل این گفتمان در رابطه با برجام حائز اهمیت است، این مسئله است که گفتمان اصولگرایی، با صورتبندی مسائل روز کشور حول موضوع امنیت ملی و بعضاً عدالت اجتماعی، از لحاظ پایگاه اجتماعی توانست طرفداران خود را در میان لایه‌های پایینی جامعه جست و جو می‌کند و تداوم برجام را به شکل کنونی، خلاف این جهت‌گیری معرفی می‌کند. به عبارتی دیگر، گفتمان اصولگرایی، منافع و مسائل جناحی خود و تقابل آن با گفتمان اصلاح‌طلبی را به عنوان منافع و مسائل کل کشور و توده‌های مردم معرفی می‌کند و به همین واسطه در صدد مشروعیت‌سازی است. در این میان، نقش برجام نیز، از منظر گفتمان اصولگرایی، تضعیف اقتصاد کشور، تسهیل سلطه‌ی خارجی بر ایران و پشت پا زدن به آرمان‌های انقلابی است که یکی از اساسی‌ترین آن‌ها، عدالت اجتماعی می‌باشد.

در مقابل، گفتمان اصلاحات، خود را متکی به طبقه متوسط می‌داند و طرفداران آن هم غالباً از میان همین طبقه بوده‌اند. مفاهیمی نظیر «جامعه مدنی»، «مشارکت زنان»، «گفت و گو»،

«آزادی بیان» و «توسعه» نیز بیانگر دغدغه‌هایی بوده که در اولویت این گفتمان در سیاست داخلی و خارجی بوده است. از طرف دیگر واژه‌های «گشایش اقتصادی»، «جذب سرمایه خارجی» و مفاهیمی از این دست نیز، در واقع اسم رمزی است برای بیان عمومی یکی از خواسته‌های سیاسی این گفتمان در روابط بین‌المللی که همواره به دنبال آن بوده است. یکی از کردارهای نهادی گفتمان اصلاح‌طلبی در طول حیات سیاسی آن، همواره تأکید بر ضرورت جذب سرمایه گذار خارجی و تبلیغ آن به عنوان راه چاره‌ی مشکلات اقتصادی کشور بوده است. از این منظر، نقش برجام نیز می‌بایست تسهیل این امر و برداشتن موانع تجاری در روابط بین‌المللی ایران و جهان باشد. رفع تحریم‌ها هم که بنا بود به واسطه‌ی برجام به انجام برسد، در واقع به معنای تسهیل ساز و کارهای مبادله‌ی این طیف سیاسی با جهان غرب بود که با روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ در آمریکا، تحقق نیافت و گشایش اقتصادی وعده‌داده شده، محقق نشد.

مفاهیمی که گفتمان اصلاحات در ایران در حمایت از برجام به کار گرفته است، اغلب «دال‌هایی خالی» هستند که گفتمان رقیب، یعنی اصولگرایی، در مفصل‌بندی خود از نقد برجام به طور خاص و در سیاست خارجی به طور کلی، جای نداده است. دال خالی «صلح» و «صلح جهانی» مفاهیمی هستند که در گفتمان اصلاحات در رابطه با برجام پررنگ بوده‌اند، اما این دال در گفتمان اصولگرایی حول همان دال مرکزی «امنیت ملی» صورت‌بندی شده است که بار معنایی متفاوتی دارد.

۷. نتیجه‌گیری

گفتمان اصولگرایی با ارزیابی بدبینانه و منفی از برجام، به طور کلی آن را خطری برای استقلال و امنیت کشور تلقی کرده و خواهان مشروعیت بخشیدن به تحلیل‌ها و مواضع خود درباره برجام است. توافقی که محصول روند طولانی مذاکراتی است که در یک دولت اصولگرا آغاز شده بود. گفتمان اصولگرایی به این ترتیب در صدد روشن کردن جهان‌بینی و نگرش خود نسبت به سیاست خارجی و مشخص کردن افتراق‌های خود با گفتمان اصلاح‌طلبی است. به عبارتی دیگر، برجام به میدانی برای اظهار نظرها و روشن ساختن مواضع سیاسی در روابط بین‌المللی و استراتژی‌های دو گفتمان اصلی است. گفتمان اصلاح‌طلبی نیز با تلقی برجام به مثابه‌ی دستاوردی که محصول نگرش اصلاح‌طلبی است، با غیریت‌سازی و تعریف جایگاه و نوع سیاست‌ورزی خود در برابر گفتمان اصولگرایی، در مورد برجام درصدد آن بوده که موضع

خود را نه تنها در مورد برجام، بلکه به طور کلی درباره‌ی نوع نگرش به سیاست خارجی و تعریف جایگاه ایران در روابط بین‌المللی، متمایز سازد. در این میان، دال خالی «استقلال و تمامیت ارضی کشور»، عرصه‌ای بوده که دو گفتمان، بر سر اصل آن توافقی ناگفته داشته‌اند اما آن را با مفاهیم و واژگان مختلفی بیان کرده‌اند. گفتمان اصلاح‌طلبی با واژگان «تعامل با جهان»، «صلح» و «سازش» به نوعی خواستار تأمین و حفظ استقلال و یکپارچگی از مجرای دیپلماسی و مذاکره و رسمیت بخشیدن به توافقات و جلب حمایت اتحادیه‌ی اروپا بوده است و برجام را دستاورد خود و گامی در این جهت تلقی کرده است. در مقابل، گفتمان اصول‌گرایی، برجام را ناقض استقلال کشور و سازش با آمریکا و اروپا را محصول فاصله گرفتن گفتمان اصلاحات از روحیه و نگرش اصلی انقلاب اسلامی می‌داند که برای کشور مضر است.

در نهایت روزنامه‌های دو گفتمان سیاسی اصلی موجود در کشور با اتکا به تکنیک «غیرت‌سازی» تلاش کرده‌اند تا موضع خود در قبال برجام و به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را قبل از هر چیز به عنوان مبنایی برای بیان تقابل جناحی به کار گیرند. به این معنی که نگاه آن‌ها به برجام به همان اندازه که تحت تأثیر رویکرد دیگر دولت‌ها و طرف‌های خارجی این توافق بوده، متوجه تحلیل‌ها و رویکردهای گفتمان رقیب داخلی هم بوده. با وجود همگرایی‌هایی که در بسیاری از متون تولیدشده در این دو گفتمان در رابطه با برجام و سیاست خارجی وجود داشته، دو گفتمان تلاش کرده‌اند تا اساساً با تکیه بر واگرایی-هایشان، هویت سیاسی خود را در جامعه شکل دهند و به عنوان خطی مشی رسانه‌ای خود در پیش گیرند.

کتاب‌نامه

- اخوان‌کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، نقد و ارزیابی تحلیل گفتمان لاکلائو و کاربرد آن در سیاست، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲: شماره ۴.
- آدرنونو، تئودور (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر کتاب آمه.
- آقا گل زاده، فردوس و غیاثیان، مریم سادات (۱۳۹۴)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، شماره ۵.
- آلتوسر، لویی (۱۳۹۵)، ایدئولوژی و ساز و برگ‌های ایدئولوژیک دولت، ترجمه روزبه صدرآرا: نشر چشمه.

رفعتی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۷)، «موضع گیری رسانه های جریان اصلی در جامعه پذیری برجام»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره ۹، شماره ۴.
سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۴)، «قدرت، گفتمان و زبان»، چاپ چهارم، نشر نی.
صافی، حسین (۱۳۹۵)، درآمدی بر تحلیل انتقادی گفتمان روایی، تهران: نشر نی.
فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، مجموعه ی مترجمان: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

کسرای، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلائو و موفه؛ ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳.

کنوبلاخ، هربرت (۱۳۹۱)، جامعه شناسی معرفت، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی.
مارکس، کارل (۱۳۸۳)، فقر فلسفه، ترجمه آرتین آراکل، نشر اهورا.

مظفری، زهرا (۱۳۹۶)، «تحلیل زبان شناختی بازتاب برجام در گفتمان های رقیب بر اساس رویکرد انتقادی فرکلاف»، فصلنامه مطالعات زبان ها و گویش های غرب ایران، سال پنجم، شماره ۱۹.

هوراث، دیوید (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، سال اول: شماره ۲.

یورگنس، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۶)، «نظریه و روش در تحلیل گفتمان»، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، چاپ هفتم.

Richardson, J.E. (2007) «Analysing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis.» London: Palgrave Press.

Cousins, M. and Hussain, A. (1984) Michel Foucault, London, Macmillan.